

## امنیت انرژی و تاثیر آن بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا

علیرضا ثمودی پبله رود<sup>۱</sup>

محمد اکبری<sup>۲</sup>

در بسیاری از مباحث و متون روابط بین‌الملل از مفهوم امنیت عموماً به معنای توانایی مقابله با تهدید مسلحانه نام برده می‌شود در حالی که کمبود و یا کمیاب بودن منابع انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز منازعات در قرن بیستم بوده است. تعریف امنیت از دیدگاه کشورهای متفاوت است. در کشورهای پیشرفته، امنیت انرژی به در دسترس بودن و عرضه کافی و با قیمت مناسب و منطقی اطلاق می‌شود. در کشورهای صادرکننده انرژی، امنیت انرژی به مفهوم امنیت تقاضا و افزایش قیمت آن است.

این نوشتار با معیار قرار دادن امنیت انرژی به عنوان چارچوب نظری، ضمن ارزیابی روابط روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، درصدد است تا بررسی نمایند که هر چند روسیه به عنوان کشور صادرکننده انرژی از موضع بهتری نسبت به اتحادیه اروپا - که وارد کننده و نیازمند شدید انرژی است- برخوردار است، اما برداشت طرفین از امنیت انرژی ثابت می‌کند که این دو بازیگر به یک اندازه به یکدیگر وابسته هستند. امنیت انرژی که برای روسیه به مفهوم امنیت تقاضا و همچنین برای اتحادیه اروپا به معنی امنیت عرضه و دسترسی آسان به انرژی می‌باشد، باعث می‌گردد تا چشم‌انداز روابط از سطح بالایی در ابعاد سیاسی و اقتصادی برخوردار باشد.

**واژگان کلیدی:** امنیت انرژی، روسیه، اتحادیه اروپا و صادرات انرژی.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته مطالعات اروپا، دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز

## مقدمه

اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته با معضل امنیت رو به رو بوده است. وابستگی به واردات انرژی از زمان شوک‌های نفتی دهه 1970 به عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیر اتحادیه اروپا شناخته می‌شود. توقف صادرات گاز روسیه در سال‌های 2006 و 2009 نیز بار دیگر وابستگی شدید اروپا را به واردات انرژی نمایان کرد. اتحادیه اروپا هم‌اکنون برای تامین 50 درصد نیازهای خود به واردات هیدروکربن وابسته است و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این رقم تا 20 سال آینده به طور چشمگیری افزایش پیدا خواهد کرد. برآوردها نشان می‌دهد که تا سال 2030 این میزان به 60 درصد نیازهای اتحادیه افزایش پیدا خواهد کرد. به همین ترتیب، نیاز به واردات گاز از 57 درصد به 84 درصد و واردات نفت نیز از 82 درصد به 93 درصد افزایش پیدا خواهد کرد. (Volger, 2011: 376)

یکی از راه‌کارهای اتحادیه اروپا برای مقابله با مشکل نبود امنیت انرژی، متنوع ساختن منابع عرضه انرژی است. البته اتحادیه اروپا برای تحقق این هدف با مشکلاتی نیز رو به رو است؛ زیرا وابستگی زیادی به روسیه، نروژ و الجزایر برای واردات هیدروکربن‌ها دارد. با کاهش ذخایر نفت دریای شمال، بیشتر دولت‌های عضو اتحادیه وابستگی بسیار شدیدی به واردات نفت به ویژه نفت اعضای اوپک در خاورمیانه پیدا کرده‌اند.

آنچه این وضعیت را تشدید می‌کند، تفاوت در میزان وابستگی و آسیب‌پذیری دولت‌های عضو است. برخی کشورها دارای ذخایر زغال سنگ و گاز به میزان انرژی مصرفی خود هستند، برخی دولت‌ها همچون فرانسه نیز از انرژی اتمی برای تامین نیازهای خود استفاده می‌کنند. کشورهایی همچون رومانی و بلغارستان نیز به طور بسیار زیادی برای تامین نیازهای خود به روسیه وابسته هستند. در سال‌های 2006 و 2009، مناقشه روسیه و اوکراین بر سر قیمت گاز طبیعی موجب قطع صادرات گاز روسیه به اروپا شد و در نتیجه آن بحرانی جدی میان روسیه و اتحادیه اروپا شکل گرفت.

در روسیه نیز امنیت انرژی معادل قطعی بودن حاکمیت دولت بر منافع راهبردی انرژی است. به نظر می‌رسد که به وجود آمدن بحران در حوزه انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه می‌تواند باعث شفافیت روابط از طرفی بین اتحادیه اروپا و روسیه و همچنین شکل‌گیری هماهنگی و شفافیت میان دولت‌های عضو بر سر مسایل حوزه انرژی و ایجاد یک بازار مشترک کارآمد در بخش انرژی در درون اتحادیه از طرف دیگر شود. این نوشتار به

دنبال پاسخ به این سوال است که امنیت انرژی چه تاثیری بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا در طولانی مدت خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد برداشت طرفین از امنیت انرژی شکل‌گیری روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی حوزه انرژی را در چشم‌انداز روابط متصور است.

### امنیت انرژی

مفهوم امنیت انرژی مفهومی مبهم است. تلاقی چند روند از جمله افزایش تقاضای جهانی بر انرژی، ترس از کاهش عرضه آن، افزایش بی‌ثباتی در بسیاری از مناطق برخوردار از منابع انرژی و نگرانی‌های موجود در خصوص روند تغییرات آب و هوایی شرایطی را فراهم آورده است که منابع و ثبات عرضه انرژی به موضوعی مهم در شرایط کنونی تبدیل شده است.

می‌توان گفت امنیت انرژی زمانی وجود دارد که منابع انرژی بتواند تمام نیازهای جامعه سیاسی (تقاضای انرژی) را تامین کند. البته باید به این نکته اشاره کرد که این جامعه سیاسی تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و نظامی را در برمی‌گیرد. در واقع، این منابع باید بتواند انرژی مورد نیاز را به شیوه‌ای قابل اطمینان و پایدار برای یک آینده قابل تصور و پیش بینی تامین کند و به محض این که این شرایط از بین برود، موضوع عدم امنیت انرژی مطرح می‌شود.

البته بسیاری از جوامع در شرایط عدم امنیت انرژی قرار دارند. به عنوان مثال، برخی از کشورهای جنوب حتی به رغم برخورداری از منابع فراوان انرژی با کمبود عرضه انرژی رو به رو هستند. این عدم امنیت، تاثیرات شگرفی بر کیفیت زندگی، سلامت، آموزش و خدمات حمل و نقل از خود بر جای می‌گذارد. در مقابل برای بسیاری از کسانی که در کشورهای صنعتی زندگی می‌کنند، این موضوع کاملاً متفاوت است. در این جوامع، وجود عرضه باثبات و پایدار انرژی در سطح دولت به معنای تضمین امنیت انرژی برای تمام شهروندان است. (Raphael and Stokes, 2010: 379) در حقیقت، رشد صنعتی شدن بسیاری از مناطق، وابستگی قدرت‌های بزرگ به سوخت فسیلی موجب شده است که امنیت انرژی به معضل اقتصادی و سیاسی کلیدی در عصر حاضر تبدیل شود. تضمین عرضه انرژی بدون شک پایه و اساس فعالیت‌های اقتصادی و پیش شرط هر گونه تامین امنیت اقتصادی است. بسیاری از قدرت‌های جهانی نیز با هدف تضمین عرضه انرژی به طور فزاینده‌ای به

رویکرد نظامی روی آورده‌اند. این رویکرد نظامی نیز اغلب تاثیرات عمیقی بر امنیت شهروندان مناطق برخوردار از نفت بر جای گذاشته است.

### امنیت انرژی و نظریه‌های روابط بین‌الملل

طبق مبانی لیبرالیسم، گسترش غیر قابل مهار قواعد لیبرال دمکراسی پس از پایان جنگ سرد در کنار بازار آزاد سرمایه‌داری شرایطی را به وجود آورد که مناطق بیشتری از نظم به وجود آمده پس از جنگ جهانی دوم، سود برده‌اند. با توجه به شتاب فرایند جهانی‌شدن و افزایش روابط میان دولت‌ها، احتمال رقابت میان دولت‌ها کاهش یافته است و بسیاری از لیبرال‌ها بر این باور هستند که جنگ میان قدرت‌های بزرگ به پدیده‌ای دور از تصور تبدیل شده است.

لیبرال‌ها بر این باور می‌باشند که افزایش وابستگی قدرت‌های بزرگ به ذخایر انرژی کشورهای جنوب موجب بروز منازعه نخواهد شد و بازارهای بین‌المللی انرژی موجب تنظیم و تسهیل روابط میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و میان مصرف‌کنندگان عمده خواهد شد. منافع تمام قدرت‌های بزرگ در هم تنیده است و امنیت انرژی آنها از امنیت انرژی سایر کشورها جدا نیست. تمام بازیگران عمده خواستار بیشینه ساختن ثبات جریان نفت به بازار و به حداقل رساندن قیمت‌ها هستند. در واقع، بسیاری از قدرت‌های غربی همچون دولت آمریکا امنیت اقتصادی و انرژی خود را با دولت‌های عرضه‌کننده بین‌المللی و داخلی انرژی و شرکای تجاری خود یکسان می‌بینند. (National Energy Policy Group, 2001: 8)

لیبرال‌ها بر این باور هستند که ماهیت به هم تنیده اقتصاد کنونی جهانی، شرایطی را به وجود آورده است که امنیت انرژی یک دولت به امنیت انرژی سایر دولت‌ها وابسته است و دیگر آن که تمام قدرت‌های بزرگ از منافع مشترک در حفظ بازارهای جهانی انرژی برخوردار هستند و تا زمانی که این نظم اقتصادی وجود دارد، احتمال بروز منازعه میان قدرت‌های بزرگ بر سر ذخایر انرژی بسیار اندک است.

برخلاف لیبرال‌ها، واقع‌گرایان در خصوص تداوم نظم لیبرالی کنونی با دیده تردید نگاه می‌کنند و معتقد هستند که برخی روندها ممکن است ما را به دوره رویارویی ژئوپلیتیک بازگرداند. واقع‌گرایان این گونه استدلال می‌کنند که جنگ منابع بر سر منابع انرژی می‌تواند

موجب از بین رفتن همکاری‌های بین‌المللی شود؛ چرا که دولت‌ها ممکن است به رقابت و یا حتی منازعه بر سر کنترل ذخایر انرژی روی بیاورند. (Raphael and Stokes, 2010: 382)

مایکل کلر<sup>1</sup>، وجود رقابت بر سر منابع انرژی را یکی از ویژگی‌های جهان معاصر و در واقع یک رقابت با حاصل جمع صفر می‌داند و معتقد است اگر چنین رقابتی به همین منوال ادامه پیدا کند، احتمال بروز منازعه میان قدرت‌های بزرگ وجود دارد. (Klare, 2008: 30)

در واقع، واقع‌گرایان معتقد می‌باشند، کمبود منابع انرژی می‌تواند موجب اختلال در نظام جهانی و ظهور یک نظم جدید بین‌المللی در حوزه انرژی و در نهایت به نظام نومرکانتلیسم و دولت محوری تبدیل شود. واقع‌گرایان برای اثبات نظرات خود به اقدام‌های دولت‌هایی همچون چین در نادیده گرفتن قواعد بازار انرژی اشاره می‌کنند. دولت چین در خصوص تسلط مطلق آمریکا بر نفت خلیج فارس نگران می‌باشد؛ چرا که آنها باور دارند در صورت بروز تنش میان پکن و واشنگتن، آمریکا می‌تواند جریان نفت را تحت کنترل خود در آورد. به همین خاطر نیز مقامات چین در صدد امضای قراردادهای مستقیم و دوجانبه با کشورهای صادرکننده و در خارج از بازار جهانی انرژی هستند. (Downs, 2000: 45)

از طرفی، واقع‌گرایان به رقابت راهبردی میان قدرت‌ها در حوزه دریای خزر اشاره می‌کنند. از اواسط 1990 و با آشکار شدن حجم بالای ذخایر انرژی در این دریا، روسیه، چین و ایالات متحده در صدد تاثیرگذاری بر رژیم‌های آسیای مرکزی و حوزه قفقاز هستند. هر یک از این قدرت‌ها، کمک‌های اقتصادی و نظامی فراوانی را در اختیار این دولت‌ها قرار داده‌اند و موضوع مسیر خط لوله گاز و نفت نیز به موضوعی کلیدی تبدیل شده است. در این میان، اولویت اصلی ایالات متحده، کاهش تسلط سنتی مسکو بر این مناطق بوده است. ساخت خط لوله به سمت غرب و به نوعی دور زدن خاک روسیه برای رسیدن به بازارهای جهانی از مهم‌ترین اولویت آمریکا بوده است. در مقابل، پکن و مسکو نیز با همکاری یکدیگر در صدد کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه هستند. بدون شک، این رقابت چالشی جدید برای نظم لیبرال کنونی است و می‌تواند نشانه‌ای از آغاز منازعه در رقابت فشرده میان دولت‌ها باشد. (Klare, 2008: 115-120)

حمله روسیه به گرجستان در سال 2008 به عنوان یکی از دولت‌های کلیدی در ترانزیت نفت و واکنش ناتو به آن می‌تواند سرآغاز دوره جدید در شکل‌گیری منازعه میان دولت‌ها باشد.

<sup>1</sup>. Michael Klare

اما از منظر ماتریالیسم تاریخی، قرائت لیبرالیستی و واقع‌گرایانه، حقایق مهمی را نادیده می‌گیرند. در واقع، نمی‌توان اهمیت انرژی و تاثیر آن بر سیاست بین‌الملل را بدون در نظر گرفتن آن در چارچوب توسعه سرمایه‌داری جهانی و بدون کشف نقش دولت‌های کلیدی در دفاع و گسترش این نظام اقتصادی درک کرد. نفت نیز همچنان به عنوان رکن اصلی و مایه حیات نظم کنونی مطرح است. در واقع، این نظم بر توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت آن هم به نفع کشورهای سرمایه‌دار غربی استوار شده است. در نتیجه، دولت‌هایی که از نظم کنونی سود می‌برند همواره دوست دارند جریان انرژی را طبق شرایط مورد نیاز خود تضمین کنند. (Raphael and Stokes, 2010: 383)

البته در درون سنت ماتریالیسم تاریخی نیز در خصوص چگونگی و چرایی کنترل عرضه نفت توسط دولت‌های مهم جهان سرمایه‌داری اختلاف نظر وجود دارد. در نظریه "خون برای نفت"<sup>1</sup> مداخله قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری در کشورهای صاحب ذخایر انرژی با هدف کمک به منافع شرکت‌های خاص به خصوص شرکت‌های بزرگ چند ملیتی است. در این قرائت خاص، دولت سرمایه‌دار چیزی بیش از ابزاری برای نخبگان اقتصادی حاکم نیست. یان راتلج<sup>2</sup> در همین ارتباط می‌گوید: "فردی همانند دیک چنی معاون جورج بوش نماینده و مدافع سرسخت سرمایه‌داری نفتی است و سیاست‌های خارجی ایالات متحده را به سمت و سویی هدایت می‌کند که موجب تامین منافع شرکت‌های بزرگ شود." (Rutledge, 2006: 65)

اما برخی دیگر از صاحب‌نظران در سنت ماتریالیسم تاریخی بر استقلال نسبی دولت‌های سرمایه‌دار تاکید دارند. در این صورت، دولت‌های سرمایه‌دار عمدتاً در راستای منافع نظم جهانی سرمایه‌داری به عنوان یک کل عمل می‌کنند. این قرائت بر نقش مدیریتی قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده تاکید می‌کنند. رقابت علنی بر سر ذخایر نفت نیز به طور عمده مسالمت‌آمیز خواهد بود؛ چرا که مراکز رقیب قدرت در چارچوب نظم اقتصاد بین‌المللی لیبرال با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این چارچوب، شرکت‌های بین‌المللی نفتی از آزادی عمل در اتخاذ تصمیم‌های تجاری مستقل در خصوص سرمایه‌گذاری برخوردار هستند و نقش دولت‌های سرمایه‌دار، حفظ شرایط بین‌المللی لازم برای تامین منافع شرکت‌های نفتی است. در این نوع قرائت، ما شاهد افزایش تنش‌ها میان قدرت‌های بزرگ و

<sup>1</sup>. Blood for Oil

<sup>2</sup>. Ian Rutledge

یا بازگشت به رقابت ژئوپلیتیک نخواهیم بود؛ چرا که ایالات متحده و سایر دولت‌های کلیدی خواستار برقراری رژیم تجاری با بازی حاصل جمع مثبت هستند.

### انرژی و ابزار سیاست خارجی روسیه

روسیه جدید با استفاده از انرژی به عنوان یک سلاح در صدد بازسازی امپراتوری خود است. تدوین استراتژی 2020 در صنعت انرژی بر کاهش خسارت محیط زیست، بهبود فناوری در مصرف انرژی، کاهش هزینه‌های عرضه انرژی و افزایش توانایی تولیدی در صنعت نفت و گاز در داخل اشاره دارد.

پوتین با تغییر مدیریت صنعت نفت و گاز روسیه، تصمیم‌گیرندگان در این بخش را از میان همکاران و دوستان خود انتخاب کرده است. اگرچه این مسئله جنجالی را به وجود آورد که پوتین یک سیستم فئودالی برای کنترل اداره روسیه ایجاد کرد؛ اما عملکرد موفقیت‌آمیز وی در حوزه اقتصاد انتقاداتی علیه وی را کم کرد. سیاست و اقتصاد روسیه را سه گروه حقوق‌دانان سنت‌پترزبورگی - سیلوویسکی<sup>1</sup> و خانواده پوتین در اختیار گرفته‌اند. پوتین با ایجاد توازن در میان این سه دسته از بروز اختلاف و تسلط یک گروه بر گروه دیگر جلوگیری می‌کند، در میان این گروه‌ها، حقوق‌دانان تیرزبورگی و تکنوکرات‌ها دارای اندیشه‌های لیبرالی در زمینه اقتصاد سیاست خارجی و طرفدار آزادی‌های مدنی هستند. سیلوویسکی‌ها، طرفدار دخالت دولت در اقتصاد و افزایش توان دفاعی روسیه هستند. (Kroutikhin, 2008: 25)

در اواخر سال 2007 پوتین، دمیتری مدودف را که یکی از اعضای هیات مدیره گازپروم بود، نامزد ریاست جمهوری کرد. وی در انتخابات مارس 2008 به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. مدودف، اگرچه دوست نزدیک پوتین به شمار می‌آید، اما از افسران امنیتی سابق نیست. تجدید حیات اقتصادی روسیه که از درآمدهای عظیم انرژی حاصل شده است، برای رهبران سیاسی روسیه که در پیوند صنعت انرژی می‌باشند، بسیار خوش یمن بوده است. (Woehrel, 2009: 6)

افزایش وابستگی جهان به انرژی و نیز ظهور روسیه به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در حیات انرژی، مسیرهای انتقال انرژی به بازارهای مصرف بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگی چون آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. فدراسیون روسیه به عنوان اولین

<sup>1</sup>. Siloviski

تولیدکننده گاز در جهان محسوب می‌شود. انرژی در روند بهبود اقتصاد روسیه نقش اصلی را دارد. ثروتی که از راه صادرات انرژی نصیب روسیه می‌شود، ارتباط مستقیمی با ثبات این کشور داشته و به ویژه باعث قدرتمند شدن روسیه در سیاست بین‌المللی شده است.

انرژی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به روابط خارجی روسیه به شمار می‌رود. در دوران ریاست جمهوری پوتین اولین تغییرها در سیاست انرژی با انتشار «استراتژی انرژی روسیه برای سال 2020» آغاز شد. برخی از اهداف این استراتژی، کنترل دولتی بر صنعت انرژی کشور و شبکه ترانزیت آن به بازارهای مصرف است. همچنین در این سند به استفاده روسیه از انرژی به عنوان ابزاری در جهت اهداف سیاست خارجی تاکید شده است. استراتژی انرژی روسیه شامل اهداف سیاست انرژی این کشور در خصوص کشورهای خارجی از جمله ضرورت تقویت موضع رویه در بازار جهانی انرژی و به حداکثر رساندن صادرات انرژی است.

روسیه علاوه بر نقش آفرینی جدی در بازار انرژی، اقدام‌های گسترده‌ای برای به دست گرفتن کنترل تولید و انتقال نفت و گاز همسایگان خود که زمانی کشور واحدی را تشکیل می‌دادند آغاز کرد. روسیه در چند مورد با بستن گاز بر روی مشتریان خود در اروپای شرقی و گرجستان تلاش کرده است تا به طور عملی گاز را به عنوان یکی از ابزارهای قوی در معادلات سیاسی-امنیتی در چارچوب سیاست خارجی خود در مقابل سایر کشورها نشان دهد.

پوتین و مدوودف معتقد هستند، مالکیت دولت روسیه بر منابع طبیعی برای تجدید حیات اقتصادی روسیه و ظهور مجدد این کشور به عنوان یک ابرقدرت سیاسی در نظام بین‌الملل ضروری است و نیروهای بازار ابزار مناسبی برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی و حمایت‌های اجتماعی جهت انتقال موفق نظام کمونیسم به نظام اقتصادی و سیاسی مدرن نمی‌باشد. مدیریت منابع طبیعی روسیه باید از طریق برنامه‌ریزی دولتی انجام گیرد. پوتین معتقد بود که حق دارد، فرایند تملک و بهره‌برداری از منابع طبیعی را بدون توجه به مالکان جغرافیای آنها و با در نظر گرفتن منافع اجتماعی و منافع بخش خصوصی قانون‌گذاری کند. (برکوتیز و سیمکونسوا، 1386: 100-109)



از مهم‌ترین راه‌حلهایی که بر اساس دیدگاه پوتین و مدودف تدوین و پس از زمینه‌سازی اجرایی و کسب قدرت سیاسی لازم در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین به اجرا گذاشته شد، موارد زیر است:

- مدیریت منابع طبیعی روسیه از طریق برنامه‌ریزی دولتی؛
- تحقق توسعه پایدار اقتصادی روسیه بر اساس رشد برنامه‌ریزی شده مولفه‌های آن که اولین و مهم‌ترین آنها ظرفیت موجود در منابع طبیعی است که ضامن امنیت اقتصادی روسیه می‌باشد؛
- حمایت از شرکت‌های صنعتی و مالی در بخش نفت و گاز؛
- تامین منابع طبیعی و تولیدات مورد نیاز کشور و افزایش کارایی استفاده از منابع طبیعی؛
- بازنگری فرایند اعطای مجوز بهره‌برداری از منابع طبیعی و ساختار مالیاتی مرتبط با صنایع نفت و گاز.

این موارد نشان می‌دهد انرژی به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی روسیه از جایگاهی کلیدی برخوردار است. در نتیجه موضوع امنیت انرژی برای روسیه در تمام برنامه‌های این کشور در زمینه تولید و صادرات انرژی مشاهده می‌گردد.

### ذخایر انرژی روسیه

از لحاظ جایگاه منابع طبیعی و نفت روسیه دارای مقام هشتم در ذخایر نفت است. اما بزرگترین صادرکننده نفت پس از عربستان سعودی به شمار می‌آید. همچنین روسیه بزرگترین ذخیره گاز جهان و بزرگترین صادرکننده طبیعی است. از نظر ذغال سنگ نیز روسیه دومین ذخیره جهانی است. ذخایر نفتی این کشور در حدود 60 میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که در حدود 6 درصد کل ذخایر جهانی است و همواره برای مدتی طولانی تعیین‌کننده میزان قدرت و سلامت اقتصاد روسیه بوده است. (Cooper, 2009: 16)

در حقیقت، اساس تمرکز انرژی اوراسیا در روسیه قرار دارد. به گونه‌ای که این کشور 76 درصد ذخایر گاز، 44 درصد ذخایر نفت و 34 درصد ذغال سنگ اوراسیا را از آن خود دارد.

از سال 1999 میزان تولید نفت این کشور سیر صعودی داشت به گونه‌ای که در فاصله سال‌های 1999 تا 2002 تولید نفت خام این کشور 20٪ افزایش و به 7/43

میلیون بشکه در روز رسید. تولید روسیه در فوریه 2002 برای اولین بار از عربستان فراتر رفت. تولید نفت روسیه در سال 2004 حدود 459 میلیون تن بود که در سال 2005 به 480 میلیون تن افزایش یافت و صادرات آن به 258 میلیون تن رسید. همچنین شرکت لوک اویل روسیه میزان ذخایر نفت و گاز این کشور در دریای خزر را 5 میلیارد و 400 میلیون تن اعلام نمود.

بر اساس آمار مرکز انتقال سوخت و انرژی روسیه، تولید نفت خام و میعانات گازی این کشور در سال 2007 با 2/6 درصد رشد نسبت به سال قبل به 9/872 میلیون بشکه در روز رسیده است.

#### میزان تولید روزانه نفت خام شرکت‌های عمده روسیه

شرکت	هزار بشکه
روس نفت	605/3552
لوک اویل	558/6911
تی ان کی - بی بی	423/857
سورگوت نفت گاز	394/7613
گاز پروم نفت	198/7924
تات نفت	157/6821
اسلاو نفت	128/0052
شرکت‌های روسی با سرمایه مشترک خارجی	123/96
گاز پروم	80/38454
شرکت‌های مشارکت کننده در قرارداد PSA	84/53212

منبع: موسسه مطالعات بین المللی انرژی، 69:1386

موقعیت روسیه در تولید گاز طبیعی نوید بخش تر از استخراج نفت است. روسیه 31 درصد کل ذخایر گاز جهان را در کنترل دارد. اهمیت روسیه در بخش گاز بسیار بیشتر از اهمیت عربستان در تولید نفت است. (عربستان دارای 25 درصد ذخایر نفت جهان است). در سال 2004 گاز پروم به تنهایی 140/5 میلیارد متر مکعب گاز از کل تولید ( 545/1 میلیارد متر مکعب ) را صادر کرد. طبق آمار ژانویه 2005 (چشم انداز بین المللی انرژی)،

روسیه 27/8، ایران 15/6 و قطر 15/1 درصد کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. روسیه در سال 2003، 26/1 درصد نیازهای گازی اروپا را تامین کرده است. از کل واردات گاز اتحادیه اروپا حدود نیمی از آن از روسیه وارد می شود. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که اروپا در آینده تا سال 2020 به بیش از 70 درصد گاز روسیه وابسته می‌شود. (Free, 2003: 23)

### چالش‌های اتحادیه اروپا در حوزه انرژی

به طور کلی، نگرانی اتحادیه اروپا در خصوص تامین گاز طبیعی است؛ زیرا تضمین عرضه انرژی نیازمند تعهد طولانی مدت و شکل‌گیری توافق میان کشورهای تولیدکننده، کشورهای ترانزیت و مصرف‌کننده است. مهم‌ترین چالش اتحادیه اروپا این است که بسیاری از دولت‌های عضو تمایل چندانی ندارند، کنترل سیاست‌های حوزه انرژی خود را به اتحادیه واگذار کنند و به طور عمده منافع ملی خود را به نگرانی‌های اروپا ترجیح می‌دهند. (راعی، 1386: 191)

چالش مهم دیگر اتحادیه اروپا وابستگی روزافزون دولت‌های عضو به واردات انرژی از روسیه و استفاده ابزاری این کشور است. هم‌اکنون در حدود 40 درصد گاز طبیعی اتحادیه اروپا و 32 درصد نفت خام اتحادیه اروپا از روسیه وارد می‌شود. علاوه بر این که اختلاف‌های قابل توجهی میان دولت‌های عضو در حوزه انرژی وجود دارد، گسترش اتحادیه اروپا نیز موجب تشدید این اختلاف‌ها و افزایش شکاف در رویکرد اعضا در برابر روسیه شده است. (Finon and Locatelli, 2008)

یکی دیگر از چالش‌های اروپا افزایش مصرف انرژی است که به افزایش تقاضا برای انرژی منجر شده و باعث وابستگی اروپا تنها به تعداد محدودی از کشورهای تولیدکننده انرژی شده است. حوادث به وجود آمده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز شرایطی را به وجود آورده است که اتحادیه اروپا نمی‌تواند برای درازمدت بر این کشورها به عنوان تامین‌کننده انرژی حساب باز کند. رشد اقتصادی کشورهای هم‌چون روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی و نیاز آنها به انرژی موجب افزایش تقاضا در بازار انرژی شده است که این امر می‌تواند رقابت را در بازارهای جهانی برای به دست آوردن منابع انرژی به شدت افزایش دهد. به طور خلاصه می‌توان گفت، وابستگی به کشورهای محدود برای تامین انرژی، افزایش

قیمت حامل‌های انرژی، افزایش تقاضا برای انرژی و کمبود منابع انرژی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا در سال‌های آتی است. (Oettinger, 2011: 2)

میزان واردات انرژی اتحادیه اروپا از کشورهای مختلف (به درصد)			
نفت خام	گاز طبیعی		
روسیه	روسیه	32/9	40/40
نروژ	نروژ	15/5	23/3
لیبی	الجزایر	9/3	17/5
عربستان سعودی	نیجریه	8/3	4/6
ایران	لیبی	6/3	2/6
قزاقستان	مصر	4/7	2/6
نیجریه	قطر	3/5	2
عراق	ترینیداد و توباگو	2/9	1/3
الجزایر	ازبکستان	2/9	1
آذربایجان	کرواسی	2/1	0/4
ونزوئلا	ترکمنستان	1/9	0/3
سایر کشورها	سایر کشورها	9/2	3/7

Source: Euro Stat, 2010

### راه کارهای اتحادیه اروپا برای مقابله با چالش‌ها

به اعتقاد کمیسیون اروپا، نبود هماهنگی و شفافیت میان دولت‌های عضو بر سر مسایل حوزه انرژی و نبود یک بازار مشترک کارآمد در بخش انرژی در درون اتحادیه موجب ناتوانی اتحادیه اروپا برای مقابله با چالش‌های امنیت انرژی شده است. (European Commission, 2009b) همچنین کمیسیون اروپا معتقد است که انرژی باید به مولفه‌ای محوری در روابط خارجی اتحادیه تبدیل شود و حوزه انرژی را برای امنیت ژئوپلیتیک، ثبات اقتصادی، توسعه اجتماعی و تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی ضروری می‌داند و بر ضرورت توسعه روابط کارآمد در حوزه انرژی با تمام شرکای بین‌المللی خود تاکید می‌کند. (European Commission, 2006: 17)

پس از اشاره به چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا در حوزه امنیت انرژی در این بخش راه‌کارها و گزینه‌های این اتحادیه برای مقابله با این چالش‌ها مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

### ایجاد بازار یک پارچه انرژی

طبق گزارش منتشر شده از سوی کمیسیون اروپا (4 فوریه 2011)، اتحادیه اروپا به ایجاد بازار یکپارچه انرژی تا سال 2014 متعهد است. در واقع، مقام‌های اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که برای اتخاذ یک سیاست کارآمد در حوزه انرژی، نیازمند برخورداری از یک رویکرد مشترک در برابر کشورهای مهم تولیدکننده و ترانزیت حوزه انرژی است. (Oettinger, 2011: 5) ایجاد یک بازار مشترک می‌تواند تاثیرگذاری اتحادیه در تعیین نرخ حامل‌های انرژی در بازارهای جهانی را ارتقا دهد و موجب افزایش 0/6 تا 0/8 رشد در تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا شود.

### ایجاد تنوع در سبد انرژی

امروزه واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا 2/5 درصد تولید ناخالص داخلی سالانه اتحادیه را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، اتحادیه در حدود 270 میلیارد یورو برای واردات نفت و 40 میلیارد دلار برای واردات گاز هزینه می‌کند. با توجه به محدود بودن منابع سوخت فسیلی و افزایش تقاضای اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، کمیسیون انرژی و حمل و نقل اتحادیه اروپا در صدد اجرای طرحی برای ایجاد تنوع در سبد انرژی و استفاده از انرژی‌های جایگزین از قبیل انرژی پاک و تجدیدپذیر ( باد، آب، خورشید)، بیومس و انرژی اتمی است. (Barroso, 2011: 4)

هم‌اکنون، انرژی‌های تجدیدپذیر به دلایل مختلفی مورد توجه قرار گرفته‌اند. طبق راهبرد انرژی سال 2020 اتحادیه اروپا ( طرح 20-20-20 ) و ماده 194 پیمان لیسبون، اتحادیه اروپا ملزم است تا سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی خود را تا سال 2020 به 20 درصد برساند به همین دلیل نیز اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری قابل توجهی (در حدود 44 میلیارد دلار) انجام داده است. (Barroso, 2011: 5) در سال 2007، ده درصد انرژی

اتحادیه اروپا و 62 درصد برق تولیدی در سال 2009 از طریق انرژی‌های تجدید پذیر تامین شده بود.

### تنوع در بازارهای انرژی

همان طور که اشاره شد وابستگی اتحادیه اروپا به کشورهای محدود برای تامین منابع انرژی خود یکی از مهم‌ترین چالش‌های اتحادیه اروپا است. مشکلات به وجود آمده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز موجب افزایش این نگرانی‌ها شده است. از این‌رو، اتحادیه اروپا برای مقابله با این چالش درصدد یافتن شرکای جدید در آفریقا و آسیای مرکزی است تا بتواند در شرایط بروز بحران به تامین منابع انرژی خود بپردازد.

### بهینه ساختن مصرف انرژی

اتحادیه اروپا طبق مفاد راهبرد 20 – 20 – 20 ملزم است 20 درصد از مصرف انرژی خود را تا سال 2020 کاهش دهد. برای تحقق این هدف، اتحادیه در صدد کاهش مصرف انرژی و افزایش کارایی انرژی خانوارها است. ارائه یارانه به شهروندان، ارائه اطلاعات لازم برای استفاده بهینه از انرژی و افزایش کارایی و استاندارد تجهیزات مصرف انرژی از راه‌کارهای اتحادیه اروپا برای بهینه ساختن مصرف انرژی است (Barroso, 2011: 7)

رویکرد اتحادیه اروپا برای حل مشکل انرژی ایجاد یک بازار مشترک و ارتقای آن به سطح یک "جامعه انرژی تمام اروپایی" است، اما برخی دولت‌های عضو برای تامین منابع مورد نیاز انرژی خود همچنان به طور جداگانه با روسیه مذاکره می‌کنند. نبود هماهنگی میان دولت‌های عضو دو امتیاز مهم برای روسیه در پی دارد. نخست آنکه این کشور با استفاده از اختلاف‌های موجود می‌تواند، قیمت گاز صادراتی خود را افزایش دهد و دیگر آن که در برابر درخواست‌های بروکسل برای خصوصی‌سازی و حرکت به سوی ایجاد بازار آزاد در صنعت انرژی مقاومت کند. (Volger, 2011: 363)

همچنین اتحادیه اروپا با حمایت از ساخت خطوط لوله در کشورهای برخوردار از منابع انرژی در صدد کاهش وابستگی خود به یک دولت عرضه‌کننده انرژی و یا یک مسیر انتقال انرژی است. البته در این بخش نیز اولویت دولت‌های اروپایی با یکدیگر تفاوت دارد. ساخت

خط لوله ناباکو یکی از سیاست‌های اتحادیه اروپا برای جلوگیری از عبور خط لوله از خاک روسیه است.

### روابط روسیه - اتحادیه اروپا

پس از سال 1991، روسیه مجموعه‌ای از سیاست‌های رقابت و مخالفت را در مقابل اتحادیه اروپا دنبال کرده است. مداخله بشردوستانه در کوزوو، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، معاهده کیوتو و تغییرات آب و هوایی از جمله مسائلی بوده‌اند که اتحادیه اروپا و روسیه با استفاده از آن به تنظیم سیاست‌های خود در قبال یکدیگر پرداخته‌اند. (Leonard and Popeseu, 2007: 308)

روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای هدف «سیاست نگاه به شرق نوین» اتحادیه اروپا در سیاست همسایگی اروپا شرکت نکرده و با اتحادیه اروپا از طریق سیستم «مشارکت استراتژیک» اقدام به برقراری روابط نموده است که این سیستم در چهار فضای جداگانه (همکاری‌های جمعی در زمینه اقتصادی، همکاری در زمینه داخلی (آزادی، امنیت، قانون)، همکاری در زمینه امنیت خارجی (امنیت، مدیریت بحران، روابط بین‌الملل) و همکاری در زمینه تحقیق آموزش و فرهنگ مورد توجه قرار دارد. موضوع اساسی در مورد روابط اتحادیه اروپا و روسیه این است که روسیه خود را در ردیف همسایگان اروپا قرار نمی‌دهد و خواهان تن دادن به شرایط منفی نیست، بلکه به ایجاد روابط ویژه و منطقی با اتحادیه اروپا تمایل دارد.

دگرگونی‌های سیاست‌های روسیه، باعث شده روسیه را به حدی از توانمندی برساند که قادر است در مقابل اتحادیه اروپا به تعیین قواعد بازی بپردازد. پوتین بودجه نظامی روسیه را به شش برابر افزایش داده است و شبکه‌های اطلاعاتی این کشور در سراسر اتحادیه اروپا گسترش یافته و تقویت شده است. از زمان زمامداری پوتین، روابط روسیه با اتحادیه اروپا در حوزه انرژی به صدر مسائل دوجانبه تبدیل شده است. رابطه با روسیه با توجه به در اختیار داشتن یک سوم از ذخایر گاز دنیا و تامین 50 درصد از مصرف اتحایه برای امنیت انرژی اتحادیه اروپا از اهمیت بسیاری برخوردار است. (Ibid)

## گفتگوی انرژی اتحادیه اروپا - روسیه

گفتگوی انرژی روسیه - اتحادیه اروپا<sup>1</sup> در ششمین نشست اتحادیه اروپا - روسیه در پاریس (30 اکتبر 2000) پایه‌ریزی شد. هدف از این اقدام، ایجاد امنیت، پیش‌بینی پذیر بودن و قابل اطمینان بودن عرضه انرژی در دراز مدت و افزایش اعتماد و شفافیت در هر دو طرف است. جنبه اعتمادسازی یکی از دستاوردهای اصلی این گفتگو است و به رفع مناقشات به وجود آمده در سال 2009 کمک فراوانی کرد. (ec.europa.eu)

در نشست اکتبر 2005 در لندن و به دنبال گفتگوهای پوتین و خوزه مانوئل باروسو، پوتین بر نیاز به یک چارچوب برای روزآمد کردن همکاری‌ها تاکید کرد. این چارچوب در بخش‌های سرمایه‌گذاری، تقویت زیر ساخت‌های انرژی و تجارت تنظیم شده است. (Arbatova, 2006: 100)

بنابراین، روسیه و اروپا به یک میزان به یکدیگر وابسته هستند و این موضوع نوعی وابستگی متقابل را میان آنها به وجود آورده است. مسکو در زمینه انرژی سیاست فراگیری را در مقابل اتحادیه اروپا پیگیری می‌کند که می‌تواند وابستگی سیاسی و اقتصادی اروپا به انرژی روسیه را افزایش دهد. این وابستگی می‌تواند تاثیر منفی بر روابط، ارزش‌ها، اهداف و سیاست‌های امنیتی اروپا داشته باشد. (Monaghan and Moutanaro, 2006: 9)

توافق بر سر "ساز و کار هشدار اولیه"<sup>2</sup> در سال 2009 یکی دیگر از دستاوردهای ملموسی بود که در گفتگوی انرژی به دست آمد. علاوه بر این، برخی پروژه‌های مشترک نیز میان اتحادیه اروپا و روسیه به مورد اجرا گذاشته شده است. 24 فوریه 2011، گانتز اوتینگر<sup>3</sup> کمیسیونر انرژی اتحادیه و سرگئی شماتکو<sup>4</sup> وزیر انرژی روسیه با هدف ارتقای این گفتگو، سه سند به قرار زیر امضاء کردند:

- به روز کردن ساز و کار هشدار اولیه در حوزه انرژی،
- صدور بیانیه مشترک برای ایجاد شورای مشترک مشورتی گاز<sup>5</sup> و

<sup>1</sup>. EU-Russian Energy Dialogue

<sup>2</sup>. Early Warning Mechanism

<sup>3</sup>. Günther Oettinger

<sup>4</sup>. Sergey Shmatko

<sup>5</sup>. Gas Advisory Council



- امضای یادداشت تفاهم در خصوص آماده کردن نقشه همکاری روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی تا سال 2050.

تحلیل سناریوهای مختلف و تاثیر آنها بر روابط اتحادیه اروپا- روسیه در بخش انرژی، نظارت بر بخش انرژی، تبیین خطرها و فرصت‌های دراز مدت شرایط عرضه و تقاضای انرژی و تحقیق پیرامون ظرفیت‌های موجود برای همکاری طولانی مدت در حوزه انرژی از مهم‌ترین بخش‌های این نقشه است. کنفرانس استفاده مبتکرانه از گاز<sup>1</sup> نیز که در بروکسل (24 ژوئن 2011) برگزار شد، موجب ارتقای گفتگو در زمینه انرژی شده است. در این کنفرانس بیش از 100 نماینده از مقام‌های کشورهای و صنایع گرد هم آمدند تا در خصوص فرصت‌های موجود برای استفاده از گاز در بخش حمل و نقل به مذاکره بپردازند.

#### ساختار کنونی گفتگوی انرژی اتحادیه اروپا- روسیه

ریاست گفتگوی انرژی اتحادیه اروپا- روسیه بر عهده گانتز اوتینگر، کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا و سرگئی شماتکو، وزیر انرژی روسیه است و مباحث سیاسی در شورای مشارکت دائم<sup>2</sup> صورت می‌گیرد. کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا، رئیس کنونی و رئیس بعدی اتحادیه اروپا و وزیر انرژی روسیه اعضای این شورا را تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون فعالیت‌های روزانه این شورا توسط چهار گروه انجام می‌شود که این چهار گروه عبارت هستند از گروه بازارهای انرژی و راهبردها، گروه انرژی برق، گروه انرژی اتمی و گروه کارایی انرژی و ابتکارها. علاوه بر این، نمایندگان شرکت‌های مهم روسیه، اتحادیه اروپا و کارشناسان سازمان‌های پژوهشی و دانشگاهی نیز در شورای مشورتی گاز حضور دارند. مسئولیت این شورا، ارزیابی توسعه بازارهای انرژی و ارائه پیشنهادهای مختلف برای تداوم همکاری طولانی مدت اتحادیه اروپا - روسیه در حوزه انرژی است. مسئولیت این چهار گروه و شورای مشاوره گاز توسط معاون وزیر خارجه روسیه و مدیرکل کمیسیون انرژی اروپا هماهنگ می‌شود.

#### چشم انداز روابط

---

<sup>1</sup>. Conference on Innovative Use of Gas

<sup>2</sup>. Permanent Partnership Council

اتحادیه اروپا و روسیه برای تقویت همکاری‌های خود در حوزه انرژی، راهبردی را با عنوان نقشه راه سال 2050 ترسیم کرده‌اند. طبق این نقشه، اتحادیه اروپا و روسیه باید تا سال 2050 به متحدین راهبردی یکدیگر تبدیل شوند و روسیه، همسایگان غیراروپایی این کشور و اتحادیه اروپا به سمت ایجاد بازار مشترک انرژی حرکت کنند. البته پیش شرط لازم برای تشکیل این بازار ایجاد مصالحه میان اتحادیه اروپا و روسیه است. ( EU-Russia Roadmap, 2011: 5 ) اتحادیه اروپا و روسیه برای تحقق این هدف، فعالیت‌های خود را در سه حوزه متمرکز خواهند کرد:

#### – حفظ و ارتقای پیوندهای زیرساختاری

اتحادیه اروپا و روسیه از طریق یک شبکه پیچیده انرژی به یکدیگر متصل هستند و برای گسترش هر چه بیشتر روابط، نیازمند همکاری نزدیک در خصوص بهبود زیرساخت‌های موجود و ایجاد زیرساخت‌های جدید هستند. این امر از طریق ایجاد چارچوب حقوقی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک صورت خواهد پذیرفت.

#### – ایجاد بازار مشترک

اتحادیه اروپا و روسیه در تلاش برای ایجاد یک بازار مشترک انرژی تا سال 2050 هستند. البته تحقق این هدف مستلزم هماهنگ ساختن قوانین، استانداردها و بازارها در حوزه انرژی است. این امر می‌تواند برای سرمایه‌گذاری متقابل و تبادل فناوری‌ها باشد.

#### – ایجاد بخش خلاق و کارآمد در حوزه انرژی

همکاری میان اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه‌هایی همچون کارآیی انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و استفاده از فناوری‌های جدید در حوزه انرژی افزایش پیدا خواهد کرد. استفاده بهینه از منابع هر دو بازیگر از ویژگی‌های مهم همکاری انرژی در نقشه راه خواهد بود. همکاری مشترک میان این دو بازیگر در توسعه بخش سبز انرژی در تبدیل قاره اروپا به الگوی ثبات و رشد پایدار بسیار تاثیرگذار خواهد بود. ( EU-Russia Roadmap, 2011: 6 )

#### نتیجه‌گیری

مفهوم امنیت انرژی، مفهومی جدید در روابط بین‌الملل است. این مفهوم به وسیله مکتب کپنهاگ وارد نظریه‌های روابط بین‌الملل شد. مکتب کپنهاگ، چارچوب سنتی تحلیل از امنیت را دگرگون کرده و تعاریف جدیدی از امنیت ارائه می‌دهد. صاحب‌نظران این مکتب علاوه بر تهدیدات نظامی، چهار نوع دیگر از تهدیدات (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) را برمی‌شمارند. در چارچوب نظریات مکتب کپنهاگ، عرضه کافی و باثبات انرژی برای رفاه اقتصادی این کشور که بخشی از ارزش‌های آن است، حیاتی می‌باشد. در چارچوب امنیت انرژی تاکنون تعاریف متعددی ارائه شده است. کمیسیون اروپا امنیت انرژی را به عنوان قابلیت تضمین فراهم شدن نیازهای اساسی انرژی آینده هم به وسیله منابع داخلی که شرایط اقتصادی قابل قبول دارد و هم به وسیله تقاضای منابع قابل دسترس و با ثبات خارجی تعریف می‌کند. (Bahgat, 2006: 965) همچنین در روسیه امنیت انرژی معادل قطعی بودن حاکمیت دولت بر منافع راهبردی انرژی است. تامین امنیت عرضه، رقابت‌پذیری و توسعه پایدار از مبانی بنیادین سیاست‌های اتحادیه اروپا در حوزه انرژی است. اولویت‌های اصلی راهبرد انرژی کمیسیون اروپا برای سال 2002 را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- ایجاد یک بازار انرژی تمام اروپایی یکپارچه؛

- دسترسی به بالاترین سطح امنیت انرژی؛

- تسلط در بخش فناوری‌های انرژی و

- تقویت بعد خارجی بازار انرژی اتحادیه اروپا (EU-Russia Roadmap, 2011: 4)

شورای اروپا همچنین در سال 2007 هدف بلندپروازانه‌ای را در حوزه انرژی و تغییرات آب و هوایی در سال 2020 برای خود ترسیم کرد. کاهش 20 درصد گازهای گلخانه‌ای، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به میزان 20 درصد از کل سهم انرژی و افزایش 20 درصدی در کارایی انرژی از مهم‌ترین اهداف اتحادیه اروپا در این طرح است. در نهایت، می‌توان گفت روابط اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه انرژی به علت مسائل مختلفی چون پیچیدگی درونی اتحادیه اروپا و همچنین رویکردهای سیاست خارجی روسیه از فراز و نشیب‌های فراوانی برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد، این دو بازیگر می‌توانند با درک صحیح از تعریف امنیت انرژی و شرایط و مسائل مختلف در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی موضوع انرژی را دستمایه مناسبی برای چشم انداز روابط خود قرار دهند.

### منابع و ماخذ

1. برکوتیز، دانیل و سیمکونسوا، لارویکا (1386)، " **خصوصی سازی تحت نظارت دولت، صنعت نفت روسیه** "، بررسی‌های اقتصادی انرژی "، سال سوم، شماره 11.
2. " **تحولات بازارهای نفت و گاز** " (1386)، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، سال دوم، شماره 14.
3. راعی‌دهقی، مرتضی (زمستان 1386)، " **روسیه و اتحادیه اروپا: استراتژی‌های متقابل انرژی** "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، شماره 60.
4. Arbatova, Nadezhda ( 2006 ), " **Russia-EU Quandary 2007** " , in Global Affairs, vol 4. No.2, April-June.
5. Bahgat, Gawdat (2006), " **Europe Energy Security: Challenges and Opportunities** " , International Affairs.
6. Barroso, J.M. (2011), " **Energy Priority for Europe** " , European Commission.
7. Cooper, William ( 2009), " **Russia, Economic Performance and Policies and their Implications for the United States** " , Nbr Analysis, Vol. 19, NO.2, Available at: <http://www.nbr.org/publications>.
8. Downs, E. (2000), " **China's Quest for Energy Security, Santa Monica** " , CA: RAND. Available at: [epp.eurostat.ec.europa.eu/page/portal/energy/data/database](http://epp.eurostat.ec.europa.eu/page/portal/energy/data/database).
9. Euro Stat (2010), " **Energy Production and Imports** " , Main Origins of Primary Energy Imports, Available at: [epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics\\_explained/index.php](http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php).
10. European Commission (2006), " **A European Strategy for Sustainable** " , Competitive and Secure Energy, Brussels, COM (2006) 105 final, 8 March.
11. European Commission (2009), " **The January 2009 Gas Disruption to the EU: Zn Assessment** " , 2004/67/EC COM (2009) 363, 16 July.
12. Finon, Dominique and Locatelli, Catherine (2008), " **Russian And European Gas Interdependence: Could Contractual Trade Channel Geopolitics?** " , Energy Policy 36, 1.

13. Free , Florence C.( 2003), " **Russian and Iranian Gas and Future us Energy security Mess** ", Vol. XLVI, No. 31.15, September. Available at: [http://ec.europa.eu/energy/international/russia/dialogue/dialogue\\_en.htm](http://ec.europa.eu/energy/international/russia/dialogue/dialogue_en.htm)
14. Klare, M. (2008), " **Rising Powers Shrinking Planet: The New Geopolitics of Energy** ", New York: Metropolitan Books.
15. Kroutikhin ,Mikhail.(2009), " **Energy Policy Machining Russia: From Putin to Medvedev** ", Nbr Analysis, Vol. 19, NO.2, Available at: <http://www.nbr.org/publications>.
16. Leonard ,Mark and Popeseu, Nicu ( 2007) , " **A power Audit of Eu- Russia Relations** ", Nbr Analysis, Vol. 14, NO.1, Available at: <http://www.nbr.org/publications>
17. Monaghan ,Andrew ,Montanaro, jankorski, Lucia ( 2006), " **Eu Russia Energy Relations: The Need For Active Engagement** ", Epc Tssue Paper, No.45, March.
18. " **National Energy Policy Development Group** " (2001), National Energy Policy, May.
- 19.Oettinger, Guenther (2011), " **Speech of Commissioner Oettinger at OFGEM Seminar** ", London.
20. Raphael, Sam; Stokes, Doug (2010), " **Energy Security in the Age of Terror in Alan Collins (eds)** ", Contemporary Security Studies, Oxford: Oxford University Press.
21. " **Roadmap of the EU-Russia Energy Cooperation until 2050 (2011)**", Progress Report, July.
22. Rutledge, I. (2006), " **Addicted to Oil: America's Relentless for Energy Security** ", London: I.B. Tauris. Available at: [epp.eurostat.ec.europa.eu/page/portal/energy/data/database](http://epp.eurostat.ec.europa.eu/page/portal/energy/data/database).
23. Stepanov, Alexey M.(2010), " **Energy Strategy of The Russian Federation to the year 2020**", Available at: <http://europeenergy/Russia>.
24. Volger, John. (2011), " **The Challenge of the Environment, Energy and Climate Change** ", in Christopher Hill and Michael Smith (eds.), International Relations and the European Union, Oxford: Oxford University Press.
25. Woehrel ,Steven ( 2009), " **Russian Energy Policy Toward Neighboring Countries** ", Nbr Analysis, Vol. 19, NO.2, Available at: <http://www.nbr.org/publications>.
26. Yorgin, D. (2006), " **Ensuring Energy Security** ", Foreign Affairs, 85/2.